

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

شب زنده دار

ای کشته نگاه تو چون من هزارها
ای بر سرت قسم که به پیچ و خم زمان
نازک مزاج من به چنین سخت جانیم
هر محنتی که بر سر ما میکنی بکن
در چشم پاکبین من ای کوکب مراد
دیدم به پایداری من کس نمیرسد
چون شهسوار حسن به تسخیر دل بتاز
با تو قمار عشق زدم، پاک باختم
پای امیدواری ما پرز آبله ست
دل هم ز عشقبازی من سینه چاک شد
نی گریه، نی خموشی من کارگر فتاد
شب تا سحر به آتش غم گریه میکنی
عشاق راز بس که بدآموز کرده ای

ای صد هزار کشته فدای تو بارها
مارا به زلف خم به خم توست کارها
تاکی غم فراق کشم با فشارها
نی دست گفت و گوست، نه پای فرارها
جای تو تا به عرش بود با وقارها
صد بار اگر مرا ببری، پای دارها
تاراج محنت تو شد این ملک بارها
آخر چه کار بود مرا با قمارها
رفتند ازین دیار مگر شهسوارها
میگفتمش ز عاقبت کار و بارها
رفته ز دست، مرتبه اعتبارها
ای شمع با تو عشق نموده چه کارها
قانع نمیشوند به بوس و کنارها

نشگفت اگر شگوفه دل، عمرها گذشت این غنچه غوره ماند به چندین بهارها

درد فراق، خواب ز چشمش ریوده است

باشد «اسیر» در صف شب زنده دارها

(شهر بن - المان - آگست ۱۹۹۹ ع)